

نادر افشار نادری
جواد صفی نژاد / الویا رستریو

ایل بَهِمِئِی

جغرافیای بَهِمِئِی، مونوگرافی ایل بَهِمِئِی، جمعیت بَهِمِئِی، مسکن در ایل بَهِمِئِی



انستاتوت ملی کتبات و اسناد

۱۳۹۱

سرشناسه	افشار نادری، نادر، ۱۳۰۵-۱۳۵۸.
عنوان و نام پدیدآور	ایل بهمنی: جغرافیای بهمنی، مونوگرافی ایل بهمنی، جمعیت بهمنی، مسکن در ایل بهمنی / نادر افشار نادری، جواد صفی‌نژاد، الویا رستریو.
مشخصات نشر	تهران: خجسته، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	۳۶۰ ص.: مصور، جدول، نمودار.
فروست	ایلات و عشایر ایران، ۲
شابک	978-964-6233-98-0
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا:
پادداشت	کتابخانه به صورت زیرنویس
موضوع	بهمنی
شناسه افزوده	صفی‌نژاد، جواد، ۱۳۰۸ -
شناسه افزوده	رستریو، الویا، ۱۹۴۲ م - م. Restrepo, Elvia
رده‌بندی کنگره	DSR: ۷۷ / ۹۳ الف ۶۷۱۳۸۸
رده‌بندی دی‌ری	۵۵/۹۷۴۳
شماره کتابشناسی ملی	۵۵۸۱۸۷۱



ایل بهمنی

جغرافیای بهمنی، مونوگرافی ایل بهمنی، جمعیت بهمنی، مسکن در ایل بهمنی

نادر افشار نادری

جواد صفی‌نژاد / الویا رستریو

ویراستار و نمایه‌ساز: مریم ایزدی

حروف چینی: شبستری

شمارگان: ۱,۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۱

چاپ و صحافی: پیمان

قیمت: ۲۲,۰۰۰ تومان

Email: khojasteh_press@yahoo.com

فروش الکترونیکی

www.persianbook.net

نشانی: خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران، بازارچه کتاب
تلفن: ۶۶۴۶۰۲۸۳، فاکس: ۶۶۹۵۹۹۲۳، صندوق پستی: ۱۳۱۲۵-۵۹۹

فهرست

پیشگفتار جواد صفی نژاد ۹

کتاب اول، جغرافیای منطقه ی بهمنی

جواد صفی نژاد

جغرافیای منطقه ی بهمنی ۳۵

کتاب دوم، مونوگرافی ایل بهمنی

دکتر نادر افشار نادری

مقدمه ۶۵

۱. کلیات ۷۱

۲. مؤسسات دولتی در منطقه ی بهمنی ۸۳

۳. آموزش و پرورش در منطقه ی بهمنی ۸۷

۴. عشایر و جنگل ۹۷

۵. ساختمان ایلی ایل بهمنی ۱۰۱

۶. ساختمان سیاسی ایل بهمنی ۱۱۷

۷. خلاصه ی اوضاع جغرافیایی و ساختمان ایلی ایل بهمنی ۱۲۳

۸. رابطه ی ساختمان اجتماعی و نظام دامداری ۱۲۷

۹. دامداری در ایل بهمنی ۱۴۷

۱۰. افزایش گله ۱۵۱

۱۱. نظام مبادله ی کالا ۱۷۱

۱۲. درآمد یک خانوار در ایل بهمنی ۱۸۱

۱۳. شناختی از پهنه‌ی منطقه‌ی بَهمِنی ۱۸۷
۱۴. درآمد و هزینه‌ی سه خانوار از مالِ ملا گنگه ۲۰۵
۱۵. انتظار و چشم‌داشت عشایر از فعالیت‌های اقتصادی؛
و چند الگوی حیات ایل ۲۰۹

کتاب سوم، جمعیت و شناسنامه‌ی تیره‌ها و طوایف ایل بَهمِنی
نادر افشار نادری / جواد صفی‌نژاد

- یادآوری ۲۱۹
۱. مشخصات جمعیتی تیره‌ها و طوایف ایل بَهمِنی ۲۲۱

کتاب چهارم، ملحقات

۱. مسکن در ایل بَهمِنی، پژوهش و نگارش: الویا رستریو ۲۸۱
۲. مقایسه‌ی جمعیتی رده‌های ایل بَهمِنی، پژوهش و نگارش: جواد صفی‌نژاد ۳۰۳

تکمیل

- نادر افشار نادری و سینمای مردم‌شناسی: فرهنگ و رهنما ۳۱۵
- منابع ۳۲۱
- نمایه ۳۲۳

● پیشگفتار

پژوهش در مورد مناطق و ایلات مختلف کهگیلویه را پژوهشگران مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۵ آغاز نمودند، زیرا مرحوم دکتر نادر افشار نادری در زمستان سال مذکور به دعوت سازمان عمران کهگیلویه با شش نفر پژوهشگر به منطقه کهگیلویه دعوت شدند.

دکتر افشار نادری که به تازگی به اخذ درجه دکترای مردم‌شناسی از پاریس فرانسه نائل شده بود به خاطر علاقه فراوانی که به مطالعات مردم‌شناسی عشایر ایران داشت این منطقه را بکر و مطالعه نشده را با تمام سختی‌های پذیرفت زیرا پهنه‌ی سراسر کوهستانی، مشکلات ارتباطی درونی و ناآشنایی با رده‌های کوچنده‌ی ایلات مختلف آن، این سختی‌ها را مضاعف می‌نمود.

دکتر افشار نادری پس از پایان سفر اول، پیشنهادهای مطالعاتی خود را طی گزارش مبسوطی ارائه نموده و خواهان اجرای طرحی جهت مطالعات میدانی کهگیلویه گردید که مورد موافقت سازمان برنامه و سازمان عمران کهگیلویه قرار گرفت و از سال ۱۳۴۶ طرح مذکور با دوازده نفر پژوهشگر آغاز گردید که همگی در مقاطع زمانی مختلفی در پژوهش‌ها مشارکت داشتند.

اصولاً پهنه‌ی کهگیلویه به هنگام مطالعه به شش ایل مستقل تقسیم می‌شدند و هر ایل در پهنه‌ی جغرافیایی شناخته شده‌ای سکونت داشت و نام هر ایل بر منطقه‌ی جغرافیایی که در تصرف داشتند نیز اطلاق می‌گردید.

پس از یک مطالعه‌ی عمومی و کلی در منطقه، به پیشنهاد دکتر افشار نادری قرار شد که برای قلمرو و شناخت هر ایل یک مطالعه‌ی مستقل انجام پذیرد که دربردارنده‌ی یک مونوگرافی از آن ایل باشد و به ضمیمه‌ی آن، جمعیت و شناسنامه‌ی هر ایل به شیوه‌ی سنتی و محلی سرشماری و جمع‌آوری گردیده و در اختیار نگارنده قرار گیرد تا بتوان جمعیت و

شناسنامه‌ی کل منطقه‌ی کهگیلویه را در مجلد جداگانه‌ای ارائه نماید. این تصمیم به مرحله‌ی اجرا درآمده و هر پژوهشگر در جهت انجام وظایف خود رهسپار مرکز ایل مشخص شده گردید تا پژوهش‌های محلی خود را آغاز نماید.

در بین ایلات ششگانه‌ی مذکور، ایل بویراحمد وسیع‌ترین منطقه و پرجمعیت‌ترین عشایر نشین پهنه‌ی کهگیلویه را شامل می‌گردد (۴۲٪ از کل مساحت و ۴۹/۵٪ از کل جمعیت، در سال ۱۳۴۶) از نظر جغرافیایی بویراحمد به سه قسمت: بویراحمد گرمسیر، بویراحمد علیا و بویراحمد سفلی تقسیم شده بود. عشایر بویراحمد گرمسیر به مرکزیت «آرو»، سال‌ها بود به خاطر وجود منابع و فعالیت‌های نفتی، سکنه‌اش اسکان شده بودند ولی عشایر بویراحمد علیا و بویراحمد سفلی هنوز به شیوه سنتی کوچ می‌کردند و نظام ساختی درونی آنها هنوز برپا بود. چنین تصمیم گرفته شد که برای بویراحمد دو مونوگرافی تهیه گردد. مونوگرافی‌های هر ایل در آن سال برای پژوهشگران معین گردید تا هر کدام به محل مورد پژوهش خود رهسپار گردیده تا به سبک و سیاق مورد نظر به آماده‌سازی و جمع‌آوری اطلاعات مربوط اشتغال ورزند.

مونوگرافی‌ها و کارهای پژوهشی گروه دکتر افشار نادری در منطقه کهگیلویه

تکثیر، ۱۳۴۷ شمسی

شماره گزارش	نام ایل	نام پژوهشگر	محل مورد پژوهش
۱	بُرام	عزیز رخش خورشید	مالی از ده شیخ حسین
۲	بویراحمد	جواد صفی‌نژاد	سی سخت بویراحمد سفلی از ایل بویراحمد
۳	بابونی	حسن پارسا	باشت مرکز خانشین ایل بابونی
۴	دُشمن‌زیاری	هوشنگ کشاورز	کوشک مرکز خانشین دشمن‌زیاری
۵	بویراحمد	علی‌اکبر قدیری	باسوج، مرکز سیاسی کل کهگیلویه
۶	طیبی	نادر افشار نادری، کشاورز، صفی‌نژاد	روستای شوق، خانشین ایل طیبی
۷	بهمنی	نادر افشار نادری	لیکک، قلعه نجف، مال مُلا گنگه
۸	ایلات کهگیلویه	کار جمعی	جمعیت و شناسنامه ایلات ششگانه کهگیلویه
۹	ایلات کهگیلویه	جواد صفی‌نژاد	اطلس جغرافیایی ایلات و طوایف کهگیلویه
جمع	ایلات کهگیلویه	شش پژوهشگر	انتشار تکثیری در ۹ مجلد

به هنگام تهیه مونوگرافی‌ها و جمع‌آوری اطلاعات جمعیتی، تمامی پژوهشگران با سرپرستی گروه و گروه عشایری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در ارتباط بودند و رهنمودهایی می‌گرفتند و به شیوه‌ای اطلاعات پژوهشی آنها مورد بررسی و تأیید قرار می‌گرفت.

علاوه بر مونوگرافی «ده مرکزی سی سخت»، مرکز خان‌نشین منطقه، که به عهده من قرار گرفته بود وظایف زیر را نیز انجام می‌دادم:

۱. جمعیت‌شناسانه هر ایل که همکاران از قلمرو پژوهشی خود تهیه می‌کردند پس از تنظیم در اختیار من قرار می‌دادند و پس از بررسی و کنترل، آنها را وارد جداولی می‌کردم که دربردارنده جمعیت خانوارهای رده‌های مختلف ایلی، درصد کوچ و اسکان، شاخه‌های زیرمجموعه‌های هر رده، سرپرستان رده‌ها، اماکن سردسیری و گرمسیری، ایل راه و... آنها را همراه با نقشه‌هایی آماده می‌کردم و در مجموع «جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه، بر اساس اولاد، طایفه، تیره و سایر مشخصات هر ایل» در بیست و سه + ۴۶۰ صفحه در قطع A4 تکثیر گردید. (گزارش شماره ۸)

۲. چون پژوهش همکاران نیاز به یک شناخت جغرافیایی و منطقه‌ای ایلی داشت من برای هر ایل شناخت جغرافیایی تهیه کردم که نقشه‌های مربوط را به همراه داشت، پهنه‌ی شناختی، کوه‌ها، رودها، گیاهان، قلمرو سردسیری، گرمسیری، ایل راه، مساحت‌ها، تقسیمات درونی مناطق جغرافیایی و... از مطالبی بودند که اطلاعات این شناخت را به دست می‌دادند. من در مجموع هفت شناخت جغرافیایی نسبتاً مفصل برای مونوگرافی‌های هفتگانه نوشتم که در آغاز هر یک از مونوگرافی‌های مربوط (به غیر از نهمین) منتشر شدند.

۳. سومین وظیفه دیگری که بر عهده من واگذار شده بود تهیه‌ی اطلسی از کل پهنه‌ی کهگیلویه بود، برای تهیه این اطلس من به مناطقی از ایلات مختلف سفر می‌کردم، نقشه‌هایی با مقیاس: ۱:۲۵۳,۴۴۰ چاپ سال ۱۳۲۶ ستاد ارتش، نقشه ۱:۲۵۰,۰۰۰ چاپ ستاد ارتش آمریکا، نقشه ۱:۱۰۰,۰۰۰ چاپ سازمان نقشه‌برداری کل کشور را نیز در اختیار داشتم تا مناطق مختلف قلمرو ایلی را با در نظر گرفتن مشخصات طبیعی در روی نقشه مورد نظر پیاده نمایم و سپس با کمک سازمان نقشه‌برداری کل کشور به کوچک کردن آنها در مقیاس‌های مورد نظر می‌پرداختم، چنین نیز کردم و اطلس کهگیلویه را تهیه و آماده نمودم.

اطلس یاد شده دارای برش‌های جغرافیایی جهت نشان دادن مناطق سردسیری و گرمسیری، اطلاعات جغرافیایی به تفکیک ایلی و منطقه‌ای، وسعت مناطق، تقسیمات و جمعیت هر ایل به تفکیک کوچ و اسکان به انضمام ۹۵ نقشه به همراه فهرست‌هایی در مجموع در هفت + ۲۲۳ صفحه به قطع A4 دو بار تکثیر گردید، گزارش شماره ۹.

از گزارش های نه گانه مذکور که همگی در سال ۱۳۴۷ به شکل تکثیری منتشر شده اند هنوز هیچ کدام مستقلاً به چاپ نرسیده اند، اکنون اولین بار است که مونوگرافی ایل بهمنی و ضمائم آن به چاپ می رسند.



در این پیشگفتار، علاوه بر معرفی مجموع مونوگرافی ها و پژوهش های ضمیمه و وابسته بدان و بیان اشیاء های رخ داده در ارقام جمعیتی؛ مبادرت به معرفی نخستین کسانی که در پهنه ی بهمنی به پژوهش پرداخته اند کرده ام و اطلاعاتی منسجم از درون پژوهش آنها به معرض قضاوت قرار دادم تا اهمیت پژوهش حاضر جایگاه خود را در بین آنها باز یابد.

اطلاعات پژوهشگران قبل از افشار نادری اغلب متعلق به بهمنی احمدی یا بهمنی گرمسیری است که در دوره درون آن چندان مشکل نیست ولی ورود به درون بهمنی مُحَمَدی را از درون نوشته های افشار نادری می توان درک کرد و انگهی اگر قبل از افشار نادری پژوهشگران به جمع آوری اطلاعات توصیفی پرداخته اند مرحوم افشار نادری به رابطه ها، علت و معلول و نتیجه گیری دست زده است، و سرانجام فرمول دامی خود را به معرض قضاوت علاقمندان ارائه داد که زندگی اجتماعی سکنه، در عمق با فرمولی همراه است که سطحی نگران، بدان دسترسی ندارند، با درک همین فرمول های ژرفابین است که می توان مسیر حرکت اقتصادی و سپس روبنای اجتماعی آن را تغییر داد.

کتاب اول، جغرافیای منطقه ی بهمنی:

در سال ۱۳۴۶، جغرافیای منطقه ی بهمنی را تهیه نمودم ولی به خاطر وسعت، کوهستانی بودن و پراکندگی اقلیمی در سردسیر و گرمسیر مطالب مورد نظر دیرتر آماده گردید، این آماده شدن زمانی بود که مرحوم دکتر افشار نادری مونوگرافی ایل بهمنی خود را به عنوان هفتمین گزارش تکثیر و منتشر نموده بود و بنابراین، قسمت جغرافیای بهمنی به چاپ نرسیده در صورتی که این شناخت جغرافیایی در تمامی مونوگرافی های دیگر به چاپ تکثیری رسیده و منتشر شده بود.

کتاب دوم، مونوگرافی ایل بهمنی:

پیکره ی این کتاب را مونوگرافی ایل بهمنی فرا گرفته است، نوشته ها تماماً پژوهش های شخصی دکتر افشار نادری است، در انجام تهیه ی این مونوگرافی، افشار به سخت ترین مناطق کوهستانی بهمنی سفر کرده بود، در این سفر، خانم «الویا رستروپو» «اهل کشور کلمبیا»

مردم‌شناس و آقای عباس بخشنده نصرت پژوهشگر، افشار نادری را همراهی می‌کردند، آقای بخشنده نصرت علاوه بر پژوهشگری از هنر نقاشی نیز آگاهی داشت، تصاویر کروکی مانند منطقه که در کتاب به چاپ رسیده است از کارهای ایشان می‌باشد.

کتاب سوم، جمعیت و شناسنامه‌ی تیره‌ها و طوایف ایل بهمنی:

شیوه‌ای که برای جمع‌آوری سنتی جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه دیده می‌شود از پیشنهادهای افشار نادری بود که سرپرستان عشایری، که گاه از این شیوه بهره می‌گرفتند و به محاسبه‌ی جمعیتی خود بر حسب خانوار می‌پرداختند، همین شیوه را من در جمع‌آوری جمعیت و شناسنامه ایل بویر احمد (علیا، سفلی و گرمسیر) به کار بستم و قلمرو سردسیری و گرمسیری، کوچ و اسکان رده‌ها، تقسیمات شاخه، شاخه‌ای هر رده و زیر رده‌ها، مشخصات سرپرستان و کدخدایان، اساسی محلی محل استقرار رده‌ها و... جمع‌آوری و اشکالات آن را با کمک محلیان هر رده تصحیح می‌نمودم و با در دست داشتن نقشه‌های بزرگی از منطقه مرزهای هر قلمرو را در روی نقشه‌ها پیاده می‌کردم. شیوه‌ی جدول‌بندی‌های عشایر بهمنی کلاً متعلق به شخص افشار نادری است که من آنها را تنظیم و تدوین نموده و ارقام جمعیتی را محاسبه و نقشه‌هایی بر آن ترتیب می‌دادم و کاستی‌های احتمالی را نیز متذکر گردیده و یا خود رأساً به تصحیح آن اقدام می‌نمودم.

به مناسبت وسعت منطقه و پراکندگی رده‌های مختلف جمعیتی، بر اساس تقسیمات طایفه‌ای و جغرافیایی، جمعیت منطقه را در سه بخش جدا از هم تحت عنوان:

الف: خانوارهای بهمنی احمدی

ب: خانوارهای بهمنی محمدی

ج: خانوارهای بهمنی علاءالدینی

از هم تفکیک نمودم و سرانجام سرجمع آن را به دست دادم تا جمعیت رده‌های سه گانه استقلال تاریخی خود را آن گونه که سکنه معتقدند معرفی کرده باشم.

کتاب چهارم، ملحقات:

در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ که گروه پژوهشی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در بهمنی کهگیلویه به تحقیق اشتغال داشتند، کل جمعیت‌های مونوگرافی‌های هفت گانه را که همکاران پژوهشگر در قلمرو پژوهشی خود تهیه می‌کردند ارقام خام رده‌های مختلف در اختیار من قرار می‌گرفت، تنظیم رده‌ها، نقشه‌های مربوطه، جمع‌بندی و درصددگیری و

سرانجام جمعیت کوچ و اسکان هر ایل را بر حسب خانوار و درصد آنها را اعلام می‌کردم و نیز برای هر مونوگرافی، جغرافیای شناختی آن ایل را می‌نوشتم.

در مورد ایل بهمنی من نیز چنین کردم، تمام جداول و کوچ و اسکان رده‌ها و قلمرو سردسیری و گرمسیری و سرحدی آنها را از روی نقشه‌های بزرگ ترسیم نمودم و کل جمعیت تمامی پهنه‌ی کهگیلویه را در کتاب «جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه براساس ایل، طایفه، تیره و سایر مشخصات هر ایل» تدوین نمودم که به صورت تکثیری منتشر شد. در سال ۱۳۷۳ که به مناسبتی پژوهش دیگری در پهنه‌ی بهمنی جنوبی و مرکزی انجام می‌دادم جهت مقایسه‌ی آماری، جمعیت رده‌های مختلف سال ۱۳۴۶ و سرشماری مرکز آمار ایران را در سال ۱۳۶۶ با هم مقایسه و نوسان آن را مطالعه می‌کردم به اشتباهی در مورد طایفه‌ی بیژنی بهمنی احمدی برخورد نمودم و آن، چنین بود:

مطالعه‌ی رده‌های مختلف جمعیت دهه‌ی ۱ گوه‌ر علی طایفه بیژنی بهمنی احمدی در سال ۱۳۴۶، ۸۹ خانوار توسط دکتر افشار نادری سرشماری شده بود و من در ستون مربوطه چنین محاسبه نموده بودم:

دهه‌ی گوه‌ر علی / جمعیت ۸۹ خانوار / ۴۴ خانوار کوچنده (۴۹٪) / ۴۵ خانوار اسکان شده (۵۱٪)، جمع ۱۰۰٪

۱. دهه: هر ایل، دارای جمعیتی حدود چند هزار خانوار است که زندگی اقتصادی‌شان براساس یک «رده‌بندی سنتی» شکل گرفته است. رده‌بندی در ایل به این منظور است که بتوان از مزایع استفاده‌ی پهنه برد؛ زیرا، زیربنای اقتصادی عشایر کوچنده‌ی ایران، دارای «رده‌بندی سنتی» - اغلب «شش رده» - است. این رده‌ها در بین «لُر بزرگ» عبارت است از: ۱. ایل، ۲. طایفه، ۳. تیره، ۴. تن (برگرفته از آتش)، ۵. اولاد، ۶. خانوار.

رده‌ی اولاد - که قبل از خانوار است - کوچک‌ترین رده‌ی تولیدکننده‌ی سنتی در عشایر است که تعدادشان اغلب از ۱۰ خانوار تجاوز نمی‌کند و مجموع خانوارهای یک اولاد را یک «مال» می‌نامند. خانوارهای هر «مال»، هر کدام سرپناهی به نام سیاه‌چادر دارند - که در مناطق سردسیر و گرمسیر از آن استفاده می‌کنند. بنابراین، یک «مال»، شامل حداکثر ۱۰ خانوار می‌باشد که در سیاه‌چادر سکونت دارند. هر «مال»، یک واحد اقتصادی - تولیدی، سیاسی و اجتماعی عشایر را تشکیل می‌دهد.

عشایر بهمنی «مال» را «دهه» می‌نامند که برگرفته از ده خانوار است؛ «دهه‌ها» که در طول زمان از نظر جمعیتی رشد می‌کنند، یک «دهه» به دو «دهه» تبدیل می‌شود و همان‌طور به سه یا چهار «دهه» هم می‌رسد. بنابراین «رده‌بندی سنتی» عشایر بهمنی بدین گونه تعریف می‌شود: ۱. ایل، ۲. طایفه، ۳. تیره، ۴. «دهه»

اول، ۵. «دهه»ی دوم، ۶. خانوار.

۲. جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی گروه عشایری، شهریور ۱۳۴۷، کار گروهی، گزارش شماره ۸، ص ۲۲۵.

به هنگام انتقال این آمار به جدول، مشخصات طایفه بیژنی^۱ در ستون گوهر علی که زیر مجموعه طایفه بیژنی است به هنگام ماشین نویسی ۴۵ خانوار اسکان شده جا افتاده و ۴۴ خانوار کوچنده با ۱۰۰٪ کوچ سرجمع محاسبه گردیده و جداول ادامه یافته و محاسبه گردیده است و این سرجمع به جدول جمعیتی طایفه های بَهمنی احمدی^۲ و از آنجا به سرجمع کل خانوارهای کوچنده و اسکان شده منطقه بَهمنی راه یافته است.^۳

پس از متوجه شدن، ارقام نسخه ی ویژه ی خود را اصلاح نمودم ولی مرحوم افشار نادری که از این اشتباه ماشین نویسی و عدم دقت بعدی آگاه نبود، محاسبات خود را بر ارقام منتشره ی اولیه متمرکز نمود. در صفحات آغازین ایل بَهمنی - چاپ حاضر - این اشتباه را در جداول مختلف و نوشته ها اصلاح نمودم ولی در مورد آمار دو جدول تحصیلی ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ این محاسبات انجام ندادم و این جداول بایستی چنین محاسبه و اصلاح گردند: اشتباه در «دهه» گوهر علی طایفه ی بیژنی تیره ی بَهمنی احمدی

۴۵ خانوار اسکان شده برابر با ۱۲۴ نفر.

- سرجمع تکثیر شده آمار در کل منطقه بَهمنی ۶،۷۹۴ خانوار برابر با ۳۷،۳۶۶ نفر.

- سرجمع اصلاح شده منتشره ۶،۸۳۹ خانوار برابر با ۳۷،۶۱۳ نفر.

- حجم متوسط خانوار بر اساس ۵/۵ نفر محاسبه گردیده است.



در تمام این مدت، به ویژه سال ۱۳۴۶، خانم الویا رستریز به مطالعه ی جامعه ی زنان بَهمنی، به ویژه ازدواج زنان ایل بَهمنی، اشتغال داشتند، وی فارسی را به خوبی آموخته بود. اغلب به فارسی و گاهی هم با زنان ایل بَهمنی به لُری صحبت می کرد و اطلاعات ویژه ای در این باره به دست آورد که تداوم آن منجر به نوشتن رساله ی دکترای مردم شناسی ایشان در فرانسه با نام ازدواج در ایل بَهمنی شد که بخش اعظم آن به ازدواج و عرف اعتقادی ناشی از آن اختصاص یافته است که تا به امروز هیچ پژوهشی به این دقتی راجع به مسائل جامعه ی زنان عشایری ایران مشاهده نشده است و یا من ندیده ام.

در همین زمان، خانم الویا رستریز علاوه بر ازدواج در ایل بَهمنی، به پژوهشی درباره ی مسکن نیز مبادرت کرده بودند. نسخه ی ماشین شده و منحصر آن را در یادداشت های افشار نادری مشاهده کردم و آن را جزء ملحقات در این مجموعه منتشر می نمایم.

این پژوهش گران قدر (ازدواج در ایل بهمنی) توسط همکار عالی قدر و بزرگوار جناب آقای دکتر جلال الدین رفیع فر ترجمه و جداگانه با نام زنان ایل بهمنی توسط انتشارات خجسته منتشر شده است.

آقای دکتر رفیع فر که شیفته‌ی نظام، تاریخ، فرهنگ و ساخت درونی عشایر ایران می‌باشند، با تمام توان به جمع‌آوری مطالب، اسناد و تدریس ساخت درونی این نظام اشتغال دارند. علاقه‌ی وافر نامبرده به نظام عشایری، او را به سمت ترجمه‌ی این کتاب با ارزش و گران‌مایه سوق داد. موفقیت روزافزون این استاد بزرگوار را عمیقاً از درگاه خداوند متان خواستارم.



در اینجا یادآور می‌شوم که چون سال‌ها مرحوم دکتر افشار نادری سِمَتِ استادی و رهنمودی من را داشت و با شمه‌ای از زندگی فرهنگی و اخلاق فردی او آشنایی داشتم پاره‌ای از این ویژگی‌ها را در اینجا یادآور می‌شوم ولی قبل از آن به تشریح «بخش مطالعات عشایری» مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی می‌پردازم که محیط کار، عشق و فعالیت مرحوم دکتر افشار نادری بود.

در اینجا وظیفه‌ی دیگری نیز به عهده من است و آن اینکه از تمام محلیانی که به گروه ما و شخص دکتر افشار نادری و خانم الویا رسپیو کمک‌های معنوی ارزشمندی نمودند خالصانه تشکر نمایم.

ولی دو بزرگ‌مرد محلی هستند که سال‌های متعددی گره‌گشای اشکالات ما بودند. این دو بزرگوار یکی آقای عطا ظاهری (کی عطا)ی بویراحمادی است و دیگری آقای خلیفه صفائی ساکن لیکک بهمنی است. مرحوم دکتر افشار نادری همیشه از این دو بزرگوار دل‌سوخته به نیکی و شایستگی یاد می‌کرد، هرچند که در هر ایلی و هر رده‌ای کمک‌های شایانی به گروه پژوهشی ما می‌نمودند که در مقدمه مونوگرافی‌های ششگانه، سپاس فراوان را از آنها داریم که در رأس آنها، سرپرستان ایل طیبی ساکن در سوق را بایستی نام برد. در اینجا نیز وظیفه‌ی خود می‌دانم که از این آگاهان و شیفته به سرزمین و فرهنگ خود با تمام توان تشکر نمایم و آینده درخشانی را برایشان آرزو نمایم.

بخش مطالعات عشایری

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی به همت دکتر احسان نراقی و جمعی از استادان که سرپرستی آنان را زنده‌یاد دکتر غلامحسین صدیقی عهده‌دار بود، زیر نظر دانشکده ادبیات و

علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷ تأسیس شد، استادانی در این مؤسسه به تدریس دروس فوق لیسانس علوم اجتماعی با گرایش به جامعه‌شناسی پرداختند و گروه‌های پژوهشی چندی نیز به پژوهش‌های میدانی در مناطق مختلف ایران به تحقیق پرداختند.

مرحوم افشار نادری در سال ۱۳۳۷، یکی از دانشجویان همین کلاس‌های تازه تأسیس شده بود. وی در دوران دانشجویی هم دستکاری و مترجمی استادانی چون: بسینیه فرانسوی، کارشناس مردم‌شناسی یونسکو، آپتلند، کارشناس هلندی یونسکو، مارتین، کارشناس انگلیسی سازمان برنامه و آنتونفسکی، کارشناس آمریکایی یونسکو را نیز عهده‌دار بود.

در آن زمان محل مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در شمال میدان بهارستان مشهور به دانشسرای عالی زیر نظر دانشکده ادبیات در بخشی از باغ نگارستان زمان قاجار که محل سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود قرار داشت.

بر اساس نقشه‌ی تهران که در سال ۱۳۰۹ ق. توسط عبدالغفار نجم‌الملک به مقیاس ۱:۴۰۰۰ ترسیم گردیده است در مقابل دیواره‌ی غربی مسجد سه‌سار، باغ بزرگی به نام «باغ نظامیه» وجود داشت، در شمال این باغ بزرگ قطعه زمینی به نام «جلوخان باغ نگارستان» و در روی نقشه دیده می‌شود که میدان بهارستان کنونی باشد. خیابان جمهوری اسلامی کنونی (خیابان شاه‌آباد سابق) در آن زمان به نام خیابان سیف‌الدوله بود که در غرب آن میدان تا چهارراه مخبرالدوله (میدان استقلال کنونی) بر روی نقشه ثبت شده است.

در شمال جلوخان باغ نگارستان قطعه زمین بزرگی به ابعاد حدود ۱۰۰،۰۰۰ مترمربع (۲۰۰ × ۵۰۰ متر) به نام «باغ نگارستان» وجود داشت که زمین آن را جناب جلال‌الملک از دیوان‌هایون اعلا خریداری کرده بود، خیابان صفی‌علیشاه امروزی غرب این باغ را محدود می‌نموده است، در جنوب باغ بزرگ بهارستان دو باغچه مشجر از طرفین و پهنه باغ نگارستان بقیه زمین‌های باغ را تشکیل می‌داد، راه اصلی ورودی به باغ بهارستان از میان این دو باغچه می‌گذشت.

به یاد دارم که در سال‌های دانشجویی‌ام، سال‌های ۱۳۳۰ به بعد - در محل سازمان برنامه فعلی باغ بزرگی بود که دانشکده علوم دانشگاه تهران در وسط این باغ قرار داشت و دانشکده ادبیات در شمال آن - که ساختمان دانشکده ادبیات هنوز به سبک اولیه‌ی خود باقی است دانشکده ادبیات قبلاً به دانشسرای مقدماتی تهران معروف بود و ساختمان آن در مرداد ماه ۱۳۱۳ آغاز شد و در دی ماه ۱۳۱۴ پایان پذیرفت، به هنگام افتتاح، آن را دانشسرای تهران و

سپس دانشسرای عالی نامیدند.^۱ هنگامی که دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به محوطه‌ی اصلی دانشگاه منتقل گردید مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و لغت‌نامه دهخدا در این محل قدیمی باقی ماندند، زیرا مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۷ شمسی پایه عرصه وجود گذارده بود.

ساختمان‌های شمالی این دانشکده در اختیار مؤسسه مطالعات، ساختمان جنوب غربی آن در اختیار لغت‌نامه دهخدا و کلاس‌های آموزشی را دانشکده ادبیات به آموزش زبان‌های خارجی اختصاص داده بود، در این زمان مؤسسه دارای گروه‌های پژوهشی مختلف بود «گروه جامعه‌شناسی شهری» به سرپرستی دکتر شاپور راسخ، گروه جمعیت‌شناسی به سرپرستی دکتر جمشید بهام در سال ۱۳۴۰ تشکیل شده بودند و من به صورت پاره‌وقت در بیست و سوم تیر ماه ۱۳۴۰ به عضویت گروه دکتر راسخ درآمدیم و پژوهش در مورد روستای طالب‌آباد را در همین گروه آغاز نمودم و دکتر راسخ سرپرست گروه مقدمه‌ای استادانه بر این کتاب نوشته است.

گروه روستایی چند سالی پس از این گروه‌ها رسماً در ششم مهر ماه ۱۳۴۳ به سرپرستی دکتر کاظم ودیعی تأسیس شد و روز بعد (۱۳۴۳/۷/۱) من در این گروه، به صورت پاره‌وقت — بعد از ظهرها — عضویت یافتیم و یک هفته بعد مراقت‌نامه رسمی در این مورد صادر گردید. در آن زمان برخی از افراد گروه روستایی به فعالیت‌های عشایری نیز می‌پرداختند، دکتر پرویز ورجاوند و خانم ظفر دخت اردلان کارهای عشایری گروه را زیر نظر داشتند.

دکتر نادر افشار نادری در سال ۱۳۴۴ که تازه دکترای مردم‌شناسی خود را از فرانسه دریافت کرده بود به عضویت این گروه درآمد، کارهای عشایری گروه به عهده‌ی او گذاشته شد، در بهمن ماه ۱۳۴۴ دکتر افشار نادری با گروه کوچک سه نفری خود آقایان: حسن پارسا، جواد صفی‌نژاد و هوشنگ کشاورز برای پژوهش به روستای باقرآباد دهستان دشتابی بخش بوئین‌زهرای قزوین رفت. در سال ۱۳۴۵ به مناسبت توسعه‌ی روزانه‌ی گروه روستایی و نیاز به مطالعه بیشتر عشایر مختلف ایران، گروه عشایری با سه پژوهشگر با نام بخش مطالعات و تحقیقات عشایری از گروه روستایی جدا شد و فعالیت مستقل خود را آغاز کرد و در تیر ماه همان سال اولین سفر عشایری گروه به منطقه‌ی ترکمن صحرا و شاهسون آغاز

۱. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه: اداره کل انطباعات، دایره احصائیه، تاریخچه ساختمان‌ها و تعمیرات معارفی و اوقافی در دو سال ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ ضمیمه سالنامه ۱۳۱۲-۱۳۱۳ و ۱۳۱۳-۱۳۱۴، تهران، مطبعه مهر، صص ۱۶-۱۲، مصور.

شد. پس از تغییر محل لغت‌نامه دهخدا گروه عشایری و گروه‌های دیگر مؤسسه به این قسمت از ساختمان دانشکده ادبیات قبلی منتقل شدند و کارهای پایه‌ای عشایری گروه به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری آغاز گردید و سال‌ها استمرار یافت تا اینکه در سال ۱۳۵۱ دانشکده علوم اجتماعی تأسیس شد و رونق مؤسسه به اوج خود رسید و پس از آن مؤسسه مطالعات زیرمجموعه دانشکده علوم اجتماعی قرار گرفت. مرحوم دکتر افشار نادری تا پایان عمر (تیر ۱۳۵۸) در سمت‌های مختلف در همین دانشکده فعالیت می‌کرد ولی دانشکده علوم اجتماعی و مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی به مناسبت توسعه روزافزون و کمبود جا سرانجام در تاریخ مرداد ماه ۱۳۷۱ به محل کنونی خود، در خیابان کارگر شمالی (امیرآباد) غرب بیمارستان دکتر شریعتی تغییر مکان داد.

مرحوم دکتر افشار علاقه وافری به مطالعه در مورد عشایر ایران داشت، وی به غیر از عشایر کهگیلویه، عشایر ترکمن‌های ایران، شاهسون‌های آذربایجان، کردهای کردستان و کرمانشاهان، لرهای غرب ایران، عرب‌های دشت میشان، بخشی از قشایبی‌ها و عشایر کرمان را مورد مطالعه‌ی مقدماتی قرار داده بود. عکس، فیلم و یادداشت‌های فراوانی از آن مناطق تهیه کرده بود، این اطلاعات گرانبها را در گروه مطالعات عشایری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی که خود دارای آزمایشگاه و چاپ فیلم، عکس و مونتاژ فیلم نیز بود، تدوین می‌نمود و آلبوم‌های چندی در این باره تهیه کرده بود و بهترین عکس‌های عشایری را در اندازه‌های بسیار بزرگ به چاپ رسانیده و بر دیوار اتاق بخش عشایری آویخته بود، علاوه بر این‌ها نقشه‌های بزرگی در گروه تهیه شده بود که مسیر کوچ طوایف ایل‌های شاهسون و منطقه کردنشین غرب ایران را نشان می‌داد، سردسیر، گرمسیر، میان‌بند، شهرک‌های عشایری همه در این نقشه‌های بزرگ ترسیم شده بود.

گوشه‌هایی از اخلاق و رفتار مرحوم دکتر نادر افشار نادری و علاقه وافر ایشان به مطالعه عمیق جامعه عشایری ایران

سخنرانی به زبان‌های فارسی و انگلیسی

مرحوم دکتر نادر افشار نادری، روزی اعضای گروه عشایری را برای استماع سخنرانی درباره‌ی اصلاحات ارضی به یکی از سالن‌های سخنرانی سازمان اصلاحات ارضی در خیابان ولی‌عصر امروزی، در حول و حوش میدان ولی‌عصر برد، نام وی جزء فهرست سخنرانان در این گردهم‌آیی بود، محل سخنرانی اتاق بزرگی بود، تعداد حاضران مدعو

بیش از یک صد نفر تخمین زده می‌شد، مدعوین همه از اندیشمندان و مطالعه کنندگان و پژوهشگرانی بودند که درباره‌ی اصلاحات ارضی اطلاعاتی داشتند. من (صفی‌نژاد) و چند نفر از اعضای گروه عشایری در ردیف سوم سمت راست اتاق نشستیم، در پشت سر من دو ردیف دیگر از مدعوین بودند.

سخنرانی آغاز گردید. هماهنگ‌کننده‌ی سخنرانی‌ها، جهت اجرای برنامه خود، پشت تریبون قرار گرفته، چنین آغاز سخن نمود:

— از شرکت کنندگان و مدعوین، خانم‌ها و آقایان کمال تشکر را دارم که در این سخنرانی‌ها حضور به هم رسانیده‌اند، آنچه می‌خواستم عرض کنم، این بود که، چون در این جمع سه نفر میهمان عزیز انگلیسی داریم، از سخنرانان خواهش می‌کنم، سخنرانی خود را به زبان انگلیسی ایراد نمایند تا میهمانان عزیز انگلیسی ما از موضوع و مطالب سخنرانی سخنرانان آگاه گردند.

اولین سخنران مرحوم دکتر افشار نادری بود، از وی دعوت شد تا جهت ایراد سخنرانی به محل تریبون برود.

دکتر افشار در محل تریبون قرار گرفت، (وی علاوه بر فارسی که زبان مادری‌اش بود به دو زبان انگلیسی و فرانسه مسلط بود)، نامبرده برای اینکه مدعوین بدانند که او انگلیسی می‌داند شروع کرد به انگلیسی صحبت کردن و چنین گفت:

— خانم‌ها و آقایان، ضمن خوشامدگویی، از من خواسته شده که به زبان انگلیسی سخنرانی نمایم تا میهمانان انگلیسی از متن سخنرانی آگاه گردند ولی به مناسبت احترام به اکثریت مدعوین که فارس زبان می‌باشند، ابتدا سخنرانی خود را به فارسی ایراد نموده، سپس همان مطالب را به زبان انگلیسی عرض خواهم نمود و شروع به فارسی سخنرانی نمودن کرد. مدت سخنرانی حدوداً نیم ساعت به طول انجامید و پس از پایان سخنرانی چنین گفت: — من سخنرانی خود را به زبان فارسی ایراد نمودم، حال کسانی که انگلیسی می‌دانند، گفته‌های مرا برای میهمانان عزیز ترجمه نمایند تا آنها نیز از گفته‌هایم آگاه گردند.

پس از این گفتار، دکتر افشار نادری از محل تریبون پائین آمده و در جای خود نشست. سخنرانان بعدی هم به پیروی از افشار، سخنرانی‌های خود را به فارسی آغاز نموده و سخنرانی را به پایان بردند.

دکتر افشار نادری خود نادرشاه افشار است:

- یکی از استادان دانشکده علوم اجتماعی تعریف می‌کرد که:
- در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی روزی نزد حسابدار مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی که مرد سخت‌گیری بود، رفته بودم. حسابدار خطاب به من (استاد مذکور) گفت:
- شنیده‌ای که می‌گویند دکتر نادر افشار نادری از نسل نادرشاه^۱ افشار است.
- بلی شنیده‌ام، این را همه می‌دانند.
- همه اشتباه می‌کنند.
- فکر نمی‌کنم این موضوع اشتباه باشد، این یک واقعیت است.
- نه، دکتر افشار نوه نادرشاه نیست، بلکه خود نادرشاه افشار است.
- چطور.
- هنگامی که دکتر افشار به اتاق من می‌آید، تمام وجودم از ترس شروع به لرزیدن می‌نماید.
- [هنگامی که اعضای مؤسسه به اتاق حسابدار می‌رفتند از سخت‌گیری‌های حسابدار بد نشان نیز می‌لرزید].

کتابخانه‌ی نادر افشار نادری

منزل مسکونی مرحوم دکتر افشار نادری اجاره‌ای و غالباً و سائل مورد نیاز زندگی اش ساخت مناطق مختلف ایران بود، به دیوارهای اتاق نشیمن نامبرده انواع چوب‌دستی‌های عشایری نصب شده بود، کف اتاق همه با گبه‌ها عشایری مفروش بود، ظروف غذاخوری و پذیرایی او همگی از ظروف سفالین سبزرنگ ساخت قم بود.

در گوشه‌ای از اتاق نشیمن، کتابخانه‌ی دکتر افشار نادری قرار داشت، یکی از قفسه‌های سراسری کتابخانه چنین ساخته شده بود: به جای دو ستون فلزی معمول قفسه‌های کتابخانه،

۱. مرحوم افشار نادری یکبار به نگارنده گفت: «من مستقیماً نسل هفتم نادرشاه افشار هستم». مرحوم افشار نادری مهدی بود، خانواده گسترده آنها در مشهد و تهران سکونت دارند. هنگامی که سازمان امور عشایری ایران ویژه‌نامه‌ای برای آن مرحوم منتشر نمود (فصلنامه عشایری، ذخایر انقلاب، پائیز و زمستان ۱۳۸۱، شماره ۳۵ و ۳۶)، صص ۳۰-۳۱، من این شجره‌نامه را زیر نظر خانواده آن مرحوم منتشر نمودم. — ج. ص.

دو نردبان کوتاه، از طرف عرض در مقابل هم قرار داده شده و به پهنه دیوار، مستحکم بسته شده بودند و به جای کفی های فلزی قفسه، تخته هایی در بین پله های دو نردبان نصب شده بود و بر روی تخته ها کتاب ها چیده شده بودند.

در گوشه دیگر اتاق با چیدن آجرهای قذافی مستطیل شکل، روی هم، ستون هایی ایجاد شده بود و بین — حدود هر سی سانتیمتر — ستون های عمودی، یک تخته بین دو دیواره قذافی قرار گرفته بود و روی تخته ها کتاب هایی چیده شده بودند.

مرحوم افشار نادری یک ماشین فولکس واگن داشت، وی تعریف می کرد که: روزی فکر کردم که برای توسعه قفسه های کتابخانه به شیوه ی ستون سازی با آجر قزاقی، حدود پنجاه تا شصت عدد آجر قزاقی خریداری نمایم. وی روزی با همسر خود، اتومبیل فولکس واگن را سوار شده به یکی از کره های آجرپزی در جنوب تهران می روند و وارد دفتر فروشگاه گردیده و قصد خود را با مدیر فروش آجر در میان می گذارند:

— مدیر فروشگاه، چقدر قزاقی می خواهید؟

— حدود پنجاه تا شصت تا

مدیر فروشگاه فکر می کند، مشتریان پنجاه تا شصت هزار آجر قزاقی می خواهند، وی حساب نموده و می گوید: فلان مبلغ پول آجرها می شود. فلان مبلغ هم کرایه حمل آنها با کامیون.

افشار می گوید: ما فقط پنجاه تا شصت عدد قزاقی می خواهیم

مدیر فروشگاه: برای پنجاه یا شصت عدد آجر چرا اینجا آمده اید.

خلاصه پنجاه — شصت عدد آجر بدان ها داده، ناسازگان هم آجرها را در صندوق فولکس واگن خود جای داده به منزلشان می آورند.

دوغ به جای آب

مرحوم افشار در مورد زندگانی ساکنین بهمنی برای ما تعریف می کرد که: پس از سال ۱۳۴۲ که فرمانداری کل کهگیلویه و بویراحمد در منطقه عشایرنشین کهگیلویه به وجود آمد و قدرت ارتش در منطقه تثبیت گردید، یکی از ارتشیان به نام «علیزاده» که خدمت های آغازین خود را در منطقه گذرانیده بود و شناخت عمیقی از وضع جغرافیایی، ایل ها، رده های مختلف هرایل و سران و کلاتران آنها داشت و از سروانی تا تیمساری خود را در بین عشایر گذرانیده بود و تا پدیدار شدن انقلاب اسلامی، نظام سیاسی سراسر منطقه را عهده دار بود، چنین پیامدی برایش رخ داده بود:

شبی، سرپرستان بَهمنی احمدی، علیزاده را در منطقه بَهمنی احمدی به میهمانی دعوت می‌نمایند، بره‌پلو برای نامبرده تدارک می‌بینند، در واسط غذا خوردن، تیمسار علیزاده تشنه می‌گردد و تقاضای یک لیوان آب می‌نماید. بلافاصله میزبان یک لیوان دوغ، در سفره جلوی تیمسار قرار می‌دهد، پس از آشامیدن دوغ، لحظه‌ای بعد مجدداً نامبرده تقاضای آب می‌نماید و میزبان مجدداً لیوان دوغی در سفره جلوی او می‌گذارد.

پس از پایان غذا و برچیدن سفره علیزاده‌ی باهوش، از میزبان سوال می‌کند، به هنگام غذا خوردن، دوبار تشنه گردیدم، شما به جای آب برایم دوغ آوردید، مطمئن هستم که رمزی در این کار نهفته است، لطفاً مرا در جریان بگذارید.

میزبان فوراً یک لیوان آب خورده برای تیمسار آورده به او می‌گوید: تیمسار، لطفاً آب را جلوی نور چراغ بگیرید و به معجزای درونی آن بنگرید تیمسار چنین عمل می‌نماید، درون لیوان ذرات پهن، کاه و کثافت‌ریزی را مشاهده می‌کند. به او گفته می‌شود، تیمسار، اگر به هنگام خوردن غذا این آب را آورده بودیم، شما متوجه این کثافت‌های درون آب می‌شدید و دیگر به غذا خوردن میل پیدا نمی‌کردید ولی به جای آب، ما برای شما دوغ آوردیم تا ذرات معلق در آب را متوجه نشوید و غذا خوردن را ادامه دهید، این است وضع آب خوردن در منطقه ما، لطفاً فکری برای آب این منطقه بنمایید.

خوراک

مرحوم افشار نادری در سال ۱۳۴۶ دست به ابتکاری زد که آن هم مطالعه‌ی نوع خوراک سه وعده غذای دانش‌آموزان ایل‌های مختلف منطقه‌ی کهگیلویه بود. نامبرده نوع غذاهای مصرفی دانش‌آموزان بَهمنی را به هنگام صبحانه، ناهار و شام در کتاب خود منتشر نمودند، گروه افشار همین ابتکار را در ایل‌های مختلف که در دست مونیگرافی داشتند به انجام رسانیدند همین رویه را در سال ۱۳۵۳ نیز دنبال نمودند که تفصیل آن در کتاب «تاریخ مرکزی ایران» آمده است در این هر دو سال پژوهش در کل منطقه در شش ایل کهگیلویه در هر بار ۳،۶۰۰ وعده غذا به ترتیب زیر مورد پرسش قرار گرفت که جدول زیر نشانگر این واقعیت است.

تغذیه دانش آموزان ایلات مختلف کهگیلویه^۱

دسته بندی غذاها	نوع غذا	۱۳۴۶		۱۳۵۳	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
دسته اول	نامشخص و یا هیچ	۱۳۳	۳/۷	۵۵	۱/۵
دسته دوم	نان خالی	۱,۲۷۱	۳۵/۳	۹۰۳	۲۵/۱
دسته سوم	نان با سبزیجات و یا حبوبات	۸۳۷	۲۳/۲	۷۶۲	۲۱/۲
دسته چهارم	نان با مرباجات	۴۰۸	۱۱/۳	۱۷۹	۴/۹
دسته پنجم	نان با لبنیات و یا برنج	۷۱۵	۱۹/۹	۱,۳۸۱	۳۸/۴
دسته ششم	نان با گوشت و یا گوشت و برنج	۲۳۶	۶/۶	۳۲۰	۸/۹
شش دسته	جمع	۳,۶۰۰	٪۱۰۰	۳,۶۰۰	٪۱۰۰

جشن تولد:

هنگامی که همراه گروه پژوهشگر دکتر افشار نادری در کهگیلویه به پژوهش های محوله عشایری خود اشتغال داشتم، در تاریخ روز جمعه ۱۳۴۶/۴/۳۰ در یاسوج ۴۱ سالگی مرحوم افشار نادری را جشن گرفتیم و من در یادداشت های روزانه خود چنین نوشته ام «جشن تولد ۴۱ سالگی افشار» به خوبی به یاد دارم که در حدود همین تاریخ در سال ۱۳۴۵ هم که گروه چهار نفری پژوهشگر ما (نادر افشار نادری، هوشنگ کشاورز، حسن پارسا، جواد صفی نژاد) در ترکمن صحرا به پژوهش های مقدماتی خود اشتغال داشتیم، شبی در یک درّه کوهستانی خوش آب و هوا، چهل سالگی مرحوم افشار جشن گرفته شد.

عارضه ی قلبی

مرحوم دکتر نادر افشار نادری سه بار دچار عارضه قلبی گردید. برای اولین بار، در یک سفر تحقیقاتی به بندر عباس در فروردین ۱۳۵۰ دچار عارضه ی قلبی شد که پس از آن برای معالجه به استکهلم سوئد عزیمت نموده و بهبودی حاصل شد.

۱. جواد صفی نژاد، عشایر مرکزی ایران، فصل یازدهم، وضع خوراک، تفصیل تغذیه دانش آموزان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸، صص ۵۴۹-۵۷۲.

بار دوم، در روز ۱۳۵۳/۳/۲۴ هنگامی که در دانشکده علوم اجتماعی مشغول کار بود دچار عارضه قلبی شد که فوراً او را به بیمارستان مهر رسانیده و بستری کردند و پس از طی دوران درمان بهبود یافت.

بار سوم، در تاریخ نهم تیر ماه ۱۳۵۸، دکتر افشار نادری به نوشهر رفته بود که در آنجا دچار عارضه قلبی شد. متأسفانه این بار، به فوت نامبرده منجر گردید، (در روز ۱۳۵۸/۴/۱۱ در بهشت زهرا مدفون شد). مراسم فوت:

شنبه ۱۳۵۸/۴/۹، فوت در نوشهر.
یکشنبه ۱۳۵۸/۴/۱۰، انتقال جنازه با آمبولانس به تهران.
دوشنبه ۱۳۵۸/۴/۱۱، مراسم خاک سپاری در بهشت زهرا با حضور اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان و اساتید دانشکده علوم اجتماعی.
سه شنبه ۱۳۵۸/۴/۱۲، آگهی ختم در روزنامه کیهان، صفحه ۱۱ و روزنامه اطلاعات، دوازدهم تیرماه، شماره ۱۵۸۹۵ صفحه ۱۱، (عصر سه شنبه).
چهارشنبه ۱۳۵۸/۴/۱۳، آگهی ختم در روزنامه آیندگان، صفحه ۴، (صبح چهارشنبه).
(محل برگزاری ختم، چهارشنبه ۱۳۵۸/۴/۱۳ خیابان کارگر شمالی (امیرآباد)، مسجد حضرت امیر، روبروی پمپ بنزین).

پژوهشگران بهمنی

پهنه‌ی بهمنی در غربی‌ترین منطقه‌ی کهگیلویه واقع است، پس از قلمرو بویراحمدی‌های کهگیلویه وسیع‌ترین پهنه‌ی ایلی منطقه است. سراسر سرزمین بهمنی کوهستانی و صعب‌العبور است که در واحدهای مستقل جغرافیایی آن، رده‌های کوه‌چنده‌ای سکونت دارند که اغلب درون منطقه‌ای بیلاق و قشلاق می‌نمایند. به مناسبت کوهستانی بودن و پراگندگی سکنه، کمتر پژوهشگری بدان پهنه راه یافته است. پژوهشگرانی که در دوران قاجار و پس از آن توانسته‌اند به درون مناطق مختلف بهمنی راه یابند و اطلاعاتی کسب و منتشر نمایند تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد عبارت‌اند از:

سیر اوستن هنری لایارد

سیر اوستن هنری لایارد از مأموران زیردست سیاسی و اطلاعاتی دولت انگلستان بود که

بین سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۲ م / ۱۲۵۶-۱۲۵۸ ق، در خوزستان فعال بود، وی فردی بود نظامی، که از علوم زمین‌شناسی، جغرافیا و پزشکی اطلاعات ویژه‌ای داشت، در هر منطقه‌ای که گام می‌نهاد به اوضاع جغرافیایی، حکمرانان، تعداد نیروهای جنگنده، مقدار و نوع سلاح آنها سخت توجه داشت و با افرادی در آن طرف مرزهای سیاسی غربی ایران، به ویژه با بغداد که در قلمرو حکومت عثمانی‌ها بود، ارتباط داشت.

عمده فعالیت نامبرده در بین چهارلنگ‌های بختیاری بود و در قلعه‌ی ثل که محل سکونت محمد تقی‌خان چهارلنگ، ایلخان معروف، بود به سر می‌برد و محمد تقی‌خان، تحت تأثیر وسوسه‌های او علیه دولت مرکزی ایران شورش کرد ولی موفقیتی به دست نیاورد. وی درباره‌ی بهمنی‌ها می‌نویسد:

بهمنی‌ها یکی از بزرگ‌ترین ایلات کهگیلویه می‌باشند، حدود ۳۰۰۰ خانوار جمعیت دارند، در سوار جانیکی‌های گرمسیری و سردسیری بختیاری‌ها سکونت دارند، خلیل‌خان، خان بهمنی‌ها، در قلعه‌ی علاء، شمال غربی بهمنی نزدیک سرچشمه یکی از شاخه‌های رود خراحی در جنوب کوه منگشت اقامت دارد، وی حدود ۲۰۰۰ تفنگچی پیاده و رزیده و تعدادی سوار کارآمد در اختیار دارد.^۱

وی می‌نویسد:

ما در امتداد رودخانه‌ی علاء [در جنوب سیدون] به مسافرت خود ادامه می‌دادیم، وارد یک جنگل انبوه شدیم... تمام روز را در میان طوایف مختلف بهمنی عبور می‌کردیم، این سرزمین به صورت بیابان و نیمه‌متروکه درآمد زیرا بیشتر اهالی خانه‌های خود را ترک کرده و بیشتر روستاها خالی از سکنه بود، ما شب را در روستای جایزان، [شمال غربی بهبهان در کنار رود مارون] اتراق نمودیم... روز دیگر وارد بهبهان شدیم...^۲

وی به مطالعه و بررسی آثار تاریخی علاقه وافری داشته و در کتاب خود اطلاعات گرانبهایی از آثار تاریخی و کتیبه‌های باستانی شمال و شمال شرقی خوزستان به دست می‌دهد.

۱. هنری لایارد. سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان، مترجم: مهرباب امیری، تهران: انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۷۱، ص ۶۴.

۲. هنری لایارد. سفرنامه لایارد، مترجم: مهرباب امیری، تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۷، ص ۱۵۰.

بارون دوئید^۱

دوئید بین سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱ / ۱۲۵۶-۱۲۵۷ ق در ایران بود. او از طریق جنوب غربی بَهمِنی از راه بهبهان به «تشان» و از راه امامزاده بابااحمد به طرف تنگ سولک (سِرَوَک) بَهمِنی جنوبی (بَهمِنی احمدی) می‌رود تا آثار باستانی تنگ را مشاهده نماید.

او در این باره می‌نویسد: «به راه سنگ‌فرش شده‌ی فرسوده‌ای با سنگ‌های صیقل خورده مواجه شدیم که به سبب لغزندگی، اسب‌ها به سختی گام برمی‌داشتند، از میان جنگلی گذشتیم، صخره‌سنگ سیاه عظیمی به ارتفاع ۱۲ متر با محیطی حدود ۲۵ تا ۳۰ متر جدا از صخره‌سنگ‌های دیگر مواجه شدیم که در هر دو سوی آن نقوش و خطوط برجسته حجاری شده است.»^۲

او در ۳۰ ژانویه ۱۸۴۱ / دهم بهمن ماه ۱۲۱۹ شمسی، از طریق امامزاده بابااحمد به تشان بازمی‌گردد.^۳

[امامزاده بابااحمد در منطقه‌ی دهه‌ی جوانمرد، شاخه‌ای از تیره‌ی بابلی در غرب گدار تختی منطقه در قلمرو تیره‌ی جلالی‌ها، بَهمِنی احمدی قرار دارد.]

حاج میرزا حسن فسانی

پس از دو سیاح مشهور انگلیسی (لایارد) و روسی (دوئید) که همزمان مأموریت‌هایی را در منطقه‌ی خوزستان انجام می‌دادند، اصیل‌ترین اطلاعات بَهمِنی و شناخت عشایر بَهمِنی را حاج میرزا حسن فسانی در تاریخ فارسنامه ناصری به دست می‌دهد. شجره‌نامه خان‌های حاکم بر بَهمِنی، تعداد قراء، اسامی تیره‌های کوچنده، جمعیت و اطلاعات شناختی باارزشی از کل منطقه به دست می‌دهد.^۴

۱. بارون دوئید. سفرنامه لرستان و خوزستان، مترجم، محمدحسین آریا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

۲. همان، صص ۲۲۹-۲۳۰ به اختصار.

۳. طرح ساماندهی روستاهای پراکنده استان کهگیلویه و بویراحمد، بخش‌های بَهمِنی و لنده، جلد چهارم، رده‌های قومی، بخش گرمسیری ایلات بَهمِنی و طیبی، جواد صفی‌نژاد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی، آذر ۱۳۷۳، مطالعات میدانی، صص ۱۱۱-۱۱۲ و صص ۱۱۷-۱۲۰ و صص ۱۲۳-۱۲۴.

۴. برای اطلاعات وسیع و تقسیم‌بندی قلمرو عشایر بَهمِنی فارس به قسمت دوم فارسنامه ناصری، چاپ

کتاب مذکور در دو قسمت با چاپ سنگی و خط نستعلیق با حاشیه‌های شناختی اسامی افراد و اماکن جغرافیایی با خط نسخ با قطع رحلی در سال ۱۳۱۳ قمری چاپ می‌شود، ولی فسانی خود می‌نویسد: «در سنه ۱۲۷۴ [قمری] [۱۸۵۷ میلادی] به دقت تمام مملکت فارس را سیاحت نموده و نقشه هر بلوکی را پراکنده برداشتم».

این نقشه هم‌اکنون به مقیاس ۱:۷۰۰,۰۰۰ از کل ایالت فارس، با ابعاد ۲۵/۱ x ۲۰ ذرع در دست است. فسانی در نوشته‌های خود پهنه بهمنی را ۹ x ۱۴ فرسنگ نوشته است.

بنابراین حدود ۱۵ تا ۱۶ سال پس از دو سیاح خارجی، از قبل از سال ۱۲۷۴ ق / ۱۸۵۷ م، فسانی در مناطق مختلف فارس مشغول تهیه نقشه خود بوده و پس از بیست سال کوشش که نقشه‌های پراکنده مناطق فارس به پایان می‌رسد با کوشش فرمانروای فارس و دستور ناصرالدین شاه قاجار جهت توضیح و شناسایی نقشه مذکور، کتاب گران قدر فارسنامه ناصری تألیف می‌گردد.

دکتر بهمن کریمی (بهمن میرزا)

حدود چهل سال پس از چاپ و انتشار تاریخ فارسنامه ناصری، دکتر بهمن کریمی در سوم آذرماه ۱۳۱۴ شمسی (۱۳۵۴ قمری ۱۹۳۵ میلادی) از بهبهان به دهدشت مرکز گرمسیری بویراحمد رفته و از آنجا با همراهی محمدحسین خان، کلانتر طیبی و ده نفر تفنگچی از راه سوق و لنده تا «تنگ نایاب» در پانزدهم دماه به ده ملاقباد می‌رود و از آنجا غلامحسین خان کلانتر بهمنی آنها را همراهی می‌نماید که جهت مشاهده آثار باستانی رهسپار تنگ سروک گردند.

کریمی می‌نویسد: «تنگ سروک دارای درختان سرو تنومندی است و سنگ‌های منقوش بزرگی در این تنگ دیده می‌شود که گویا از عهد ساسانیان باشد».

کریمی از آنجا به بابااحمد و ابوالفارس رفته و می‌نویسد: «در ابوالفارس اب فراوان و دارای زراعت شلتوک می‌باشد، در اینجا خوانین بهمنی علاءالدینی به دیدن ما آمدند، صبح روز بعد به همراه خوانین مذکور به دالون و می‌داود رفتیم که مرکز جانکی‌های بختیاری‌های چهارلنگ است...»

→ سنگی، ۱۳۱۳ قمری، صص ۲۷۵-۲۷۶ مراجعه شود. انتشارات امیرکبیر این فارسنامه را در سال ۱۳۶۷ در دو مجلد به تصحیح دکتر منصور رستگار فسائی چاپ و منتشر نموده است.

سپس به "قلعه تل" مرکز خوانین چهارلنگ بختیاری که محل نشیمن محمدتقی خان چهارلنگ بوده رفتیم، از "قلعه تل" به "مال میر" و "ایذه" می‌روند.^۱

سفر کریمی از بهبهان تا ایذه از راه دهدشت، لنده، سروک، قلعه تل، ایذه نزدیک به دو ماه به طول انجامیده است.

محمود باور

کتاب، که گیلویه و ایلات آن^۲ که در فروردین ۱۳۲۴ شمسی در گچساران^۳ منتشر گردید، در قسمت مربوطه ایل بَهمِنی را به دو بخش بَهمِنی احمدی و بَهمِنی مُحَمَّدی تقسیم می‌نماید و اظهار می‌دارد: هر شاخه دارای کلاتر و سرپرست جداگانه و مستقلی است. بیشتر مناطق بَهمِنی کوهستانی و اغلب سردسری است، چشمه‌سارهای فراوان و مناظر طبیعی زیبایی دارد، اراضی قابل کشت کمتر دارد و معیشت سکن بیشتر از میوه‌های جنگلی و محلی است.

محمود باور در تقسیمات طایفه‌ای، بَهمِنی‌ها را به سه قسمت:

۱- بَهمِنی احمدی [واقع در جنوب قلمرو بَهمِنی‌ها]؛

۲- بَهمِنی مُحَمَّدی [واقع در شمال قلمرو بَهمِنی‌ها]؛

۳- بَهمِنی علاءالدینی [واقع در میانه بَهمِنی مُحَمَّدی و از نظر تقسیمات کلی جزئی از پهنه بَهمِنی‌ها]؛

تقسیم نموده است و برای هر قسمت شجره‌نامه مستقلی از خوانین آنها تهیه و نام تیره‌های هر سه قسمت را به همراه نام کلاتر، جانشین احتمالی و افراد بانفوذ سیاسی هر قسمت را ذکر نموده و به اختصار به فرآورده‌های اقتصادی آنها می‌پردازد.

منوچهر ضرابی

ششمین پژوهشگری که در سال ۱۳۴۰ شمسی، اطلاعاتی از درون کهگیلویه به ویژه از

۱. دکتر بهمن کریمی. راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران، تهران: ۱۳۲۹، صص ۳۷-۴۹.

۲. محمود باور. کهگیلویه و ایلات آن، گچساران: ۱۳۲۴، وزیری، جدول تصویر، شجره‌نامه و اطلاعات تاریخی برای تمام ایلات کهگیلویه.

۳. یکی از ایلات ششگانه منطقه کهگیلویه، ایل باوی به مرکزیت باشت می‌باشد، شهر دوگنبدان در این پهنه واقع شده و اطراف نفت‌خیز این شهر را «گچساران» می‌نامند چون دارای رگه‌های فراوان گچی در ساختمان زمین‌شناسی آن می‌باشد.

بویراحمدی‌ها و ایل بهمنی به دست می‌دهد آقای منوچهر ضرابی است که مقاله‌ای با مشخصات زیر منتشر نموده:

«طوایف کهگیلویه»، [مجله] فرهنگ ایران زمین، جلد نهم، ۱۳۴۰، صص ۲۷۸-۳۰۲.

در این مقاله ابتدا کلیات شناختی از منطقه را متذکر و سپس اطلاعاتی از شش ایل مستقل کهگیلویه که در پهنه‌ی آن دیار سکونت دارند یادآور می‌گردد، این شش ایل عبارت‌اند از: ایل بویراحمد، ایل بهمنی، ایل چرام، ایل بابونی [باشت و بابونی]، ایل طیبی و ایل دشمن‌زیاری. ضرابی برای هر ایل اطلاعات شناختی باارزشی به دست می‌دهد. وی درباره ایل بهمنی که ۳۲٪ از کل نوشته‌هایش را شامل می‌گردد، مطالب زیر را متذکر شده است.

حدود جغرافیایی و شناختی، تاریخ سیاسی و مراکز تاریخی، تقسیمات رده‌های مختلف ایلی (بهمنی احمدی، بهمنی مُحَمَّدی و بهمنی علاءالدینی)، نام رده‌ها، سردسیر و گرمسیر، جمعیت به تفکیک رده‌ها، محل نشیمن رده‌ها و رویدادهای درون‌ایلی را بیان می‌دارد که در مجموع اطلاعات باارزشی از آن زمان منطقه را بازگو می‌نماید.

علی بلوکباشی

بلوکباشی در مهرماه ۱۳۴۴، مقاله‌ای درباره‌ی شناخت اجتماعی و اقتصادی بهمنی‌ها در پانزده صفحه منتشر نمود که در صفحات مختلف متن، یک نقشه‌ی مقدماتی کروکی مانند، بیست تصویر محلی و دو شجره‌ی ایلی باارزش به دست می‌دهد.

شناخت جغرافیایی منطقه، دامداری سنتی و اقتصاد وابسته بدان، شیوه کوچ به مناطق سردسیری و گرمسیری، تقویم کوچ، تاریخچه و سازمان ایل، تقسیمات طایفه‌ای، طایفه‌های اصلی و وابسته، توصیفی از سیاه‌چادر (بهون) زمستانی و تابستانی، کپر و نم می‌نماید.

در سازمان ایلی، نام طایفه‌ها، تیره‌ها، زیر تیره‌ها و دهه‌ها را بیان نموده و سپس به کشاورزی سنتی، کار و پیشه زنان، پوشاک، زبان، مذهب، عروسی، آرایش و زیورآلات زنان و هنرهای دستی محلی می‌پردازد که در مجموع طلیعه‌ای است در باب مردم‌شناختی کوچندگان بهمنی.

پیشگامان پژوهش در شناخت پهنه بهمنی

نام پژوهشگر	محتوای پژوهش	سال پژوهش		
		میلادی	قمری	شمسی
هنری لایارد	مبانی نظامی	۱۸۴۰-۱۸۴۲	۱۲۵۶-۱۲۵۸	۱۲۲۱-۱۲۱۹
بارون دویند	سیاسی	۱۸۴۰-۱۸۴۱	۱۲۵۶-۱۲۵۷	۱۲۲۰-۱۲۱۹
حاج میرزا حسن حسینی فسائی	تاریخی و جغرافیایی	۱۸۵۷-۱۸۹۵	۱۲۷۴-۱۳۱۳	۱۲۷۵-۱۲۳۷
دکتر بهمن کریمی	باستان‌شناسی	۱۹۳۵	۱۳۵۴	۱۳۱۴
محمود باور	سیاسی	۱۹۴۶	۱۳۶۵	۱۳۲۴
منوچهر ضرابی	مردم‌شناختی	۱۹۶۱	۱۳۸۰	۱۳۴۰
علی بلوکباشی	مردم‌شناختی	۱۹۶۵	۱۳۸۴	۱۳۲۴
دکتر نادر افشار نادری	مردم‌شناسی	۱۹۶۷	۱۳۸۷	۱۳۴۶
احمد اقتداری ^۱	تاریخی، باستان‌شناسی	۱۹۷۷	۱۳۹۷	۱۳۵۶

در خاتمه از آقای جمال خداپناهی مدیر انتشارات بهنام که بازسازی نقشه‌ها را به عهده داشتند و خانم مریم ایزدی که زحمت ویرایش و نمایه‌سازی این کتاب به عهده‌ی ایشان بود و همچنین از آقایان: امیر آقاحسینی، دکتر مسعود برومند خوشننگ دادار، دکتر عزت‌الله سام‌آرام، خلیفه صفایی [از لیکک بهمنی]، عطاءالله طاهری (کی خطا) [از یاسوج بویراحمد] مهدی کامل، فرهاد و رهرام که ما را با رهنمودهایشان و همچنین امدادای عکس‌های مربوط به متن کتاب زنده‌یاد دکتر نادر افشار نادری یاری کردند سپاسگزاری می‌شود.

بنواد صفی‌نژاد

۱. احمد اقتداری. خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹، صص ۴۰۵-۴۶۰.